

پلیس و حریم جسمانی افراد

جعفر آقاخانی^۱، بهزاد سارخانلو^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۶

از صفحه ۱۱۳ تا ۱۳۴

چکیده

حقوق حریم خصوصی یکی از بنیادی‌ترین حقوق یک ملت به شمار می‌رود که از حقوق بشر و آزادی‌های عمومی سرچشمه می‌گیرد و دارای ابعاد و مصادیق مختلف در زمینه‌های گوناگون است. حریم جسمانی افراد یکی از این مقوله‌هاست که هم از اهمیت بسیاری برخوردار است و هم دارای موضوعات مهم، وسیع و گسترده‌ای است. حریم جسمانی در زمینه‌های آزادی تن، ایراد ضرب و جرح، شکنجه‌های جسمی و روحی و حمایت از شخصیت معنوی افراد می‌تواند مطرح شود. پلیس که از کشتگران عدالت کیفری محسوب می‌شود، نقش به‌سزایی در حفظ و رعایت حریم خصوصی افراد دارد، به‌عبارت‌دیگر هرگاه جرمی اتفاق می‌افتد، اولین نهادی که افراد با آن روبه‌رو می‌شوند پلیس است؛ بنابراین از پلیس و مأمورین انتظامی انتظار می‌رود گام بلندی در جهت حفظ این مقوله برداشته و آن را محترم بشمارند. در اهمیت حریم جسمانی افراد می‌توان گفت یکی از اولین، بارزترین و شاخص‌ترین حقوق یک ملت است و تضمین‌کننده دیگر مقوله‌های حریم خصوصی است. به‌منظور صیانت از این مقوله مهم نیاز مبرم به تدوین و تصویب قانون جامع و مانع در سال ۱۳۸۳ توسط دولت وقت تقدیم مجلس شورای اسلامی شد که تاکنون مسکوت مانده است؛ بنابراین در حال حاضر ضروری است افراد پلیس مفهوم حریم خصوصی را شناخته و خود را متعهد به رعایت آن بدانند.

کلید واژه‌ها

حریم خصوصی، حریم جسمانی، حقوق شهروندی، پلیس، آزادی تن.

۱- دانشجوی دکتری جرم‌پایی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول)،

jafaraghakhani@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دادیار دادسرای عمومی و انقلاب.

مقدمه

امروزه انسان‌ها بیشتر از هر زمان دیگری به آزادی و تضمینات آن نیاز دارند، به طوری که در جهان کنونی بدون آزادی، زندگی مسالمت‌آمیز امکان‌پذیر نیست. آزادی دو چیز است: اول اینکه انسان در معرض تعدی و تجاوز و مزاحمت دیگران نباشد و دوم اینکه بتواند هرچه را بخواهد انجام دهد، به شرط آنکه زیانی به حقوق دیگران وارد نیابد.

آزادی دارای مقوله‌ها و فروعاتی است که از این میان می‌توان به آزادی‌های عمومی (حقوق شهروندی) آزادی‌های فردی و ... اشاره کرد. حقوق شهروندی که یکی از بارزترین مصادیق آن حریم خصوصی افراد است نشأت گرفته از آزادی افراد است. حریم خصوصی دارای ابعاد گوناگونی است که عبارت‌اند از:

۱- حریم اطلاعات که شامل تصویب قوانینی است که اطلاعات مشخص نظیر اطلاعات مالی، پزشکی و ... افراد را تحت کنترل قرار می‌دهد این حوزه به حفاظت اطلاعات هم معروف است.

۲- حریم جسمانی که به حفاظت از جسم افراد در مقابل آزمایش‌های ژنتیکی و ... مربوط می‌شود.

۳- حریم ارتباطات که امنیت پست‌های الکترونیک و تلفن‌ها، پست و سایر اشکال ارتباطات را عهده‌دار است.

۴- حریم مکانی که به اعمال مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و نظارت‌ها در محیط کار و زندگی افراد و اماکن عمومی مربوط می‌شود.

پلیس و مأمورین انتظامی نقش مهمی در راستای فرآیند دادرسی کیفری ایفا می‌کنند، به طوری که بازرسی‌های بدنی، دستگیری، جلب و اجرای احکام کیفری توسط ضابطین دادگستری صورت می‌گیرد. دستگاه پلیسی هر کشور که تکلیف کشف و تهیه عناصر تشکیل‌دهنده یک پرونده کیفری یا موضوع مستلزم تحقیق را بر عهده دارد، می‌تواند در پی‌ریزی یک پرونده اتهامی غیرقانونی و غیرمنصفانه نقش اساسی ایفا کند؛ بنابراین آموزش دستگاه پلیسی و امنیتی یک کشور و التزام آن‌ها به رعایت و حفظ حریم خصوصی افراد - به‌ویژه حریم جسمانی - و رعایت اصل برائت

کیفری در ترویج و گسترش احساس امنیت افراد جامعه، فرهنگ قانون‌مداری و کاهش هزینه‌ها و کمیت پرونده‌های اتهامی در دستگاه قضائی بسیار حائز اهمیت است.

در این نوشتار به دنبال این پرسش هستیم که پلیس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کنشگران عدالت کیفری چه نقشی در رعایت حریم جسمانی مظنونان و متهمان دارد و برای رعایت این حریم چه ابزارهایی لازم است؟
برای این منظور ابتدا به مفاهیم کلی بحث پرداخته و سپس برخی مصادیق نقض حریم خصوصی افراد را ذکر نموده و درنهایت لزوم رعایت این حریم و زیرساخت‌های آن تشریح و ضمن نتیجه‌گیری از بحث پیشنهادهای ضروری نیز ارائه می‌شود.

گفتار اول: مفاهیم تحقیق

الف) حریم خصوصی

باآنکه عبارت حریم خصوصی در زبان محاوره و نیز زبان فلسفی، سیاسی و حقوقی به‌طور مکرر استعمال می‌شود، ولی هنوز تعریف متقن و مشخصی از آن ارائه نشده است. مفهوم حریم خصوصی، ریشه‌های عمیقی در مباحث جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی دارد که نشان می‌دهند چگونه در فرهنگ‌های مختلف برای آن ارزش قائل شده‌اند.

برخی برای حریم خصوصی افراد ۴ مبنا ذکر کرده‌اند:

- ۱- خلوت و تنهایی؛ ۲- صمیمیت و الفت؛ ۳- ناشناس ماندن و ۴- تحفظ.
- در جامعه آزاد با رعایت استثناهایی برای منافع عموم، اختیار تصمیم‌گیری نسبت به اینکه اطلاعات شخصی افراد، چه زمانی و تحت چه شرایطی برای عموم مردم قابل افشاء باشد، باید با خود آن‌ها باشد. لذا حریم خصوصی را باید به این صورت تعریف کرد: «حق افراد، گروه‌ها یا مؤسسات نسبت به اینکه برای خویشان تعیین کنند که چه زمانی، چگونه و تا چه اندازه‌ای اطلاعات مربوط به آن‌ها به دیگران قابل مخابره باشد» (وستین ۱۹۶۷: ۷۱).

شورای اروپا نیز پیرو صدور قطعنامه‌ای به تعریف حریم خصوصی پرداخته و اعلام کرده است: «حریم خصوصی مربوط می‌شود به زندگی خصوصی، خانوادگی، مسکن، تمامیت جسمی و روحی، آبرو، اعتبار و شهرت و حیثیت افراد، اجتناب از اینکه چهره‌ای کاذب از فرد ساخته شود، افشاء نکردن وقایع و حقایق نامربوط و آزاردهنده، عدم افشای غیرمجاز تصاویر خصوصی، حمایت از عدم افشای اطلاعاتی که بر اثر اعتماد اشخاص وصول کرده‌اند یا در اختیار آن‌ها قرار گرفته است» (گزارش ۱۹۷۰ شورای اروپا).

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ماده ۸ خود، حریم خصوصی را مورد توجه قرار داده و چنین مقرر می‌دارد:

۱- هر کس نسبت به حریم زندگی خصوصی و خانوادگی، منزل و ارتباطات خود واجد حق است.

۲- مقامات دولتی حق هیچ‌گونه مداخله در اعمال حق مذکور را ندارند، مگر مطابق با احکام و قوانین و در صورتی که مداخله آن‌ها در چهارچوب جامعه مردم‌سالاری برای امنیت ملی، سلامت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از بی‌نظمی یا جرم، حمایت از بهداشت و اخلاق یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری باشد.

ب) حریم خصوصی در حقوق اسلام

علی‌رغم سابقه کوتاه غرب در حمایت از حریم خصوصی، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی از قدمت بسیار برخوردار است. مقوله‌های مختلف این حق با مبانی متعدد و محکمی مورد حمایت قرار گرفته است. حریم خصوصی بیش از آنکه در غرب و کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر پیش‌بینی شود با تأکید بسیار در منابع اسلامی مورد توجه بوده و در آیات بسیاری از قرآن مجید بر لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص تأکید شده است. سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و سیره مسلمانان نیز سرشار از توصیه‌هایی در پرهیز از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی است (انصاری ۱۳۸۶: ۶۴).

اصطلاح «حریم خصوصی» نه در آیات قرآن و نه در روایات اسلامی، استعمال

نشده است و موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی، موضع به اصطلاح تحویل گرایانه است.

یکی از مهم ترین مصادیق حریم خصوصی، حریم منزل و اماکن خصوصی افراد است. در آیات قرآن و سنت اسلامی، ورود به منازل اشخاص منوط به استیناس و استیذان شده است. به عنوان مثال خداوند متعال در آیه ۲۷ سوره نور می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه هایی که خانه شما نیست، داخل نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوئید، این برای شما بهتر است، شاید که پسند گیرید».^۱ همچنین در آیه ۱۸۹ سوره بقره می فرماید: «... به منازل مردم تنها از در آن ها وارد شوید».^۲

همچنین ممنوعیت سوءظن در آیات قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اسلام (ع) مورد توجه قرار گرفته است. به نظر می رسد سوءظن منشأ و ریشه نقض و تجاوز به بسیاری از مقوله های دیگر حریم خصوصی از جمله تجسس و تفتیش در امور خصوصی دیگران است.

خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره حجرات می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها بپرهیزید چراکه بعضی از گمان ها گناه است و هرگز تجسس و غیبت نکنید بعضی از شما بعضی دیگر را».^۳

در رابطه با این مورد پیامبر اکرم (ص) نیز فرمودند: «بر شما باد اجتناب از ظن، همانا ظن کذب ترین سخن هاست و از تجسس و تحسس اجتناب کنید».^۴

همین طور حضرت علی (ع) در این رابطه می فرماید: «امر برادر دینی خود را بر شکل احسن آن تعبیر کن مگر آنکه خلاف آن بر تو اثبات شود. بر سخن بدی که بر زبان برادرت جاری شده و تو می توانی مهملی برای تعبیر آن به خیر بیابی، ظن سوء میر».

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَكَلَّمْتُمْ نَفْسًا...

۲. ...وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِن أَبْوَابِهَا

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا...

۴. إِنَّا كُمْ وَالظَّنُّ، فَإِنَّ الظَّنَّ الكَذِبَ الحَدِيثُ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا تَحَسَّسُوا

ج) تعریف حریم خصوصی

از مجموع تعاریف و معیارهای ارائه شده در خصوص حریم خصوصی چنین برمی آید که دو ضابطه برای شناسایی مصادیق مشمول این حریم وجود دارد (همان: ۳۸).

۱- ضابطه نوعی: که به موجب آن برخی جنبه‌های زندگی انسان‌ها، نوعاً یا عرفاً حریم خصوصی آن‌ها محسوب می‌شود و شخصی که مدعی نقض حریم خصوصی در جنبه‌های مذکور است، لازم نیست توجیه کند چرا دیگران نباید بدون رضایتش به آن جنبه‌های زندگی‌اش دسترسی پیدا کنند. ورود به قلمروی از زندگی افراد که نوعاً خصوصی شناخته می‌شود، نقض حریم خصوصی است مگر آنکه مرتکب اثبات کند، مدعی نقض حریم به نحو ضمنی یا صریح از حریمش عدول کرده است.

۲- ضابطه شخصی: که به موجب آن انسان‌ها می‌توانند برخی جنبه‌های زندگی خود را که نوعاً یا عرفاً از شمول حریم خصوصی خارج است جزء مسائل شخصی و داخل در قلمرو حریم خصوصی خود اعلام کنند.

بنابراین می‌توان حریم خصوصی را به این صورت تعریف کرد: «قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند. منازل و اماکن خصوصی، جسم افراد، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی از مهم‌ترین مصادیق حریم خصوصی هستند»^۱.

گفتار دوم: مصادیق حریم خصوصی و موارد نقض آن

حریم خصوصی دارای مفهوم بسیار پیچیده‌ای است، به طوری که تعیین مصادیق آن بسیار مشکل است. حریم خصوصی دارای مصادیقی همچون حریم مکان و خلوت، حریم اطلاعات، ارتباطات و حریم جسمانی است. بنا بر اهمیت موضوع حریم جسمانی و ارتباط آن با آزادی و استقلال افراد این قسم از حریم خصوصی را مورد بحث و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱- این تعریف برگرفته از تعریف لایحه حریم خصوصی است که در ماده ۱ خود تعریفی اینچنین ارائه داده بود.

الف) حریم جسمانی افراد

افرادی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند و از اتباع آن سرزمین هستند حق دارند به هر کجای کشور خود که بخواهند رفت و آمد کنند، با هر وسیله‌ای که بخواهند تردد کنند، هر چه دوست دارند با خود داشته باشند و در هر کجا که بخواهند توقف کنند، مشروط بر اینکه در استفاده از این حقوق چهارچوب و محدودیت‌های قانونی را رعایت کنند (همان ۱۸۲).

دولت نیز مکلف است در مقام حامی و مدافع حقوق شهروندی و حریم خصوصی، نه تنها از دست‌یازی به نقض حقوق مزبور اجتناب کند، بلکه باید از تجاوز اشخاص ثالث به این حقوق نیز ممانعت به عمل آورد.

حریم جسمانی افراد را می‌توان به فرض‌های مختلف از جمله تفتیش و بازرسی بدنی افراد، بازداشت یا توقیف افراد و استفاده از زور و شکنجه افراد و ... تقسیم‌بندی کرد که یکایک این فرض‌ها در مبحث‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده می‌شود.

۱- تفتیش و بازرسی بدنی افراد

بازرسی بدنی عبارت است از جستجوی بدن یا لباس شخص مظنون یا متهم به ارتکاب جرم به منظور کشف آلات و ادوات مربوط به جرم است (رضوی ۱۳۸۰: ۱۷۸). در تعریف دیگری از بازرسی بدنی آمده است: «بازرسی بدنی عبارت است از کاوش بدن یا لباس شخص مظنون یا متهم به ارتکاب جرم، به قصد یافتن ادله مخفی مربوط به جرم یا اسلحه یا کشف هویت».

هدف و فایده بازرسی بدنی عبارت است از ضبط و توقیف دلایل اثبات جرم، حفاظت از جان مجنون، متهم، مأموران انتظامی و مردم از هر قسم خطر بالقوه. در کشور ما وضعیت حقوقی بازرسی بدنی افراد از لحاظ تئوری، قانون و رویه قضایی بسیار تاریک اما عملاً بسیار روشن است. قوانین، آیین‌نامه‌ها و رویه قضایی نسبت به این امر مهم سکوت اختیار کرده‌اند که این نشان از بی‌توجهی مقنن به این امر مهم است.

«بازرسی بدنی معادل دستگیری است و اتخاذ تصمیم درباره آن با قاضی است و پلیس نمی‌تواند همیشه مبادرت به بازرسی بدنی اشخاص نماید. مگر در موارد جرایم

مشهود یا جنایت قبلی شخص بازرسی شونده یا موارد بسیار خاص و محدود مندرج در قانون» (انصاری ۱۳۸۰: ۳۰۶).

با توجه به فقدان قانون خاص در این زمینه به نظر می‌رسد بازرسی بدنی افراد در کشور ما توسط پلیس امری کاملاً سلیقه‌ای بوده و هریک از شهروندان در هر زمان و مکان از شهر ممکن است توسط افراد پلیس تحت بازرسی بدنی قرار گیرند، بی‌آنکه مسئولیت کیفری متوجه آنان باشد.

البته لازم به ذکر است هرگاه بازرسی بدنی افراد بدون هیچ‌گونه سوءظن و اتهامی صورت گیرد برای مثال اگر شخصی در خیابان در حال حرکت است، با اخطار پلیس متوقف و مورد بازرسی قرار گیرد، در این صورت شاید بتوان پلیس را طبق ماده ۵۷۰ ق.م.ا مورد مؤاخذه قرار داد.

۲- دستگیری و بازداشت

هیچ‌یک از فرهنگ‌های لغات سیستم‌های حقوقی قاره‌ای یا انگلوساکسون به‌طور کامل دستگیری را تعریف نکرده‌اند. ولی از مجموع تعاریف آن‌ها می‌توان نتیجه‌گیری کرد که: «دستگیری عبارت است از عمل متوقف یا محدود کردن موقت از آزادی آمدوشد هر شخص مظنون یا متهم به ارتکاب جرم به‌قصد انجام بازجویی، بازرسی یا توقیف در آینده نزدیک» (همان ۱۳۸۰: ۳۷۳)

در تعریف دیگری از دستگیری آمده است: «توقیف موقت فرد یا افرادی از آزادی تردد، رفت‌وآمد برخلاف میل وی، توسط مأموران دولت یا افراد عادی به امر قانون یا برخلاف قانون» (رضوی ۱۳۸۰: ۱۳۶)

«دستگیری اقسام زیادی دارد و به اعتبارات مختلف قابل تقسیم است. مهم‌ترین طبقه‌بندی آن‌ها عبارت از تقسیم‌بندی به دستگیری قضایی و دستگیری اداری است که به ترتیب موضوع بحث حقوق کیفری- آیین دادرسی کیفری و تحقیقات جنایی و حقوق اداری است؛ مانند دستگیری دیوانه‌گان، دستگیری‌های احتیاطی و پیشگیری‌کننده به مقاصد سیاسی و امنیتی و غیر آن، دستگیری بیگانگان و اخراج آن‌ها» (انصاری ۱۳۸۰: ۴۳۲).

۲-۱- دستگیری افراد

همانطور که در مبحث قبلی ذکر شد به موجب احکام مقرر در اصول ۲۲، ۳۲ و ۳۹ قانون اساسی اصل بر آزادی شخصی افراد است و استثناء آن، بازداشت افراد توسط ضابطین دادگستری به تجویز قوانین و مقررات کیفری است. دستگیری در جرایم مشهود و غیر مشهود متفاوت است.

- نحوه دستگیری در جرایم مشهود^۱

به موجب قسمت اخیر ماده ۴۴ ق.آ.د. کیفری، ضابطین دادگستری مکلفاند در خصوص جرایم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی وی معمول دارند.^۲

- نحوه دستگیری در جرائم غیر مشهود

به موجب ماده ۴۴ ق.آ.د. کیفری ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرائم غیر مشهود، مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورات لازم به مقام‌های صالح قضایی اعلام می‌کنند که بعد از اعلام و کسب تکلیف مراتب اعلامی برای تحقیقات

۱- ماده ۴۵ آیین دادرسی کیفری در خصوص جرم مشهود چنین مقرر می‌دارد: جرم در موارد زیر مشهود است: الف- در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب- بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که شاهد وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.

ج- بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد.

ت- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.

ث- جرم در منزل یا محل سکنای افراد اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.

ج- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.

چ- متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.»

۲- ماده ۴۴ آیین دادرسی کیفری: «ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیر مشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورات لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضائی مناسب اتخاذ می‌کند. ضابطان دادگستری در مورد جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند...»

مقدماتی عیناً عودت داده می‌شود که معمولاً محتوای دستورات قضایی، تفویض همان اختیارات است که ضابطین در حالت جرم مشهود از آن برخوردارند. در این حالت اقدام مأمورین برای دستگیری متهم پرونده، نوعی دیگر از انواع دستگیری قانونی (دستگیری در جرائم غیرمشهود) به حساب می‌آید.

- ضمانت اجرای کیفری تخلف از مقررات دستگیری

اصل آزادی و استقلال افراد به‌تنهایی نمی‌تواند حامی و مدافع خوبی برای مصونیت افراد از دستگیری‌های بی‌مورد و غیرقانونی باشد. هرچند این اصل در بسیاری از اصول قانون اساسی کشور ما مورد پذیرش واقع شده است، لیکن برای حمایت جدی از این اصل نیاز به قوانین و ضمانت اجرای کیفری احساس می‌شود و می‌طلبد که قانون‌گذار اعمال مأمورینی که بدون مجوز قانونی آزادی مردم را سلب و مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند، جرم‌انگاری و مجازاتی برای آن پیش‌بینی نماید.

ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی در این زمینه بیان می‌دارد: «هریک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

- بازداشت پلیسی

در بحث دستگیری و نحوه آن به اصل آزادی افراد و اصل منع دستگیری و... اشاره شد. با توجه به اینکه دستگیری و توقیف ارتباط زیادی با هم دارند، به همین دلیل است که برخی عقیده دارند، دستگیری مقدم بر توقیف به معنای خاص است و معمولاً توقیف به معنای خاص مستلزم دستگیری و مؤخر بر آن است، ولی توقیف همیشه مستلزم دستگیری قبلی نیست و ممکن است بدون دستگیری صورت گیرد، مانند محاصره کردن پاسگاه، دفتر کار افراد، محل کار مأمورین، ساکنین منزلی در داخل منزل یا بستن در به روی مأموران و افراد و ساکنین و ممانعت از خروج آن‌ها، در تمامی این موارد توقیف بدون دستگیری است (ناصرزاده ۱۳۷۳: ۸۳).

در اغلب موارد از واژه‌ی «توقیف» به جای «بازداشت» استفاده می‌شود.

بازداشت عبارت است از: «عمل عادی دستگیر کردن شخص و جلوگیری کردن از ادامه طریق و بالجمله محروم ساختن او از اختیار رفتن و آمدن است در مدت نسبتاً کوتاه» (پاد ۱۳۴۸:۲۲۴).

در لغت‌نامه دهخدا توقیف به معنای «ایستائیدن» و توقیف کردن به معنای «نگهداشتن»، «ضبط کردن» و «بازداشت کردن» آمده است و غالباً توقیف و بازداشت مترادف یکدیگر استعمال گردیده‌اند.

در ترمینولوژی حقوق واژه توقیف چنین تعریف شده: «سلب آزادی از شخص یا مال او باحالت انتظار ترخیص در صورت اول توقیف مال صدق می‌کند. وقف هم در حقیقت توقیف مال به صورت خاص است» (جعفری لنگرودی ۱۳۸۶: ۱۸۱).

متهم در دوران بازداشت دارای حقوق قانونی است که مدت زمان بازداشت و حق اطلاع از مهم‌ترین آن‌هاست. در بیشتر کشورها از جمله فرانسه حداکثر مدتی که پلیس می‌تواند متهم را تحت نظر خود نگهداری (۲۴ ساعت) است. نظام حقوقی کشور ما نیز از این رویه پیروی کرده و در ماده ۴۶ ق.آ.د. کیفری مقرر می‌دارد: «...در هر حال ضابطان نمی‌توانند بیش از ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند...» هر فردی که دستگیر یا بازداشت می‌شود باید فوراً از دلایلی که موجب محرومیت از آزادیش شده مطلع شود. هدف اصلی از الزام آگاه کردن این است که فرد بازداشت‌شده بتواند به اعتبار بازداشت از لحاظ قانونی اعتراض کند؛ بنابراین دلایل ارائه‌شده باید مشخص بوده و شامل توضیح واضحی از اساس قانونی و واقعی بودن دستگیری یا بازداشت باشد (رجبی ۱۳۸۸: ۱۲۴).

بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز اصل ۱۰ مجموعه اصول بازداشت به حق «دریافت اخطاریه» یا اطلاع از اتهام اندکی پس از دستگیری (نه بیش از آن) اشاره دارد که فرد را محق می‌داند تا در اسرع وقت پس از دستگیری از اتهاماتی که علیه او اقامه شده مطلع شود.

ماده ۴۶ ق.آ.د. کیفری در این خصوص مقرر می‌دارد: «ضابطان باید اتهام و ادله آن را بلافاصله و به‌طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند...».

بنابراین حق اطلاع از دلایل بازداشت و نوع اتهام به‌عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر در بسیاری از قوانین و اسناد خارجی و داخلی مورد پذیرش واقع شده است.

هر فردی که دستگیر، بازداشت یا زندانی می‌شود حق اطلاع دادن به خانواده یا

دوستانش را دارد. این اطلاع باید شامل موضوع دستگیری یا بازداشت مکانی که در آنجا نگهداری شده است باشد.

در اسناد بین‌المللی به‌موجب بند ۱ اصل ۱۶ مجموعه اصول برای حمایت همه افراد در هرگونه بازداشت یا زندان^۱، اصل ۱۹ مجموعه اصول^۲، قاعده قواعد حداقل استاندارد^۳، به اهمیت و ضرورت این حق پرداخته شده است.

بند ۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در این خصوص بیان می‌دارد: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر، پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند». همچنین این مورد در قانون آیین دادرسی کیفری^۴ پیش‌بینی شده که متهم می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن افراد خانواده و آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند مگر به ضرورت و با اطلاع مقام قضایی.

ب) منع ایذاء^۵، تحقیر، استخفاف افراد دستگیر شده یا تحت نظر

اصل آزادی افراد و حفظ حرمت افراد اقتضاء می‌کند حقوق افراد در هر مرحله از

۱- بند ۱ اصل ۱۶ مجموعه اصول: «فرد بازداشت شده یا زندانی حق دارد سریعاً بعد از توقیف و هرگونه انتقال از مکان بازداشت یا حبس به مکانی دیگر، به خانواده خود یا افرادی که لازم می‌داند این موضوع را اطلاع دهد یا مقام‌های مسئول را ملزم کند تا اطلاع‌رسانی کنند».

۲- اصل ۱۹ مجموعه اصول: «فرد بازداشت شده یا زندانی حق دارد خصوصاً با اعضای خود ملاقات و مکاتبه کند و به او فرصتی مناسب داده شود که تحت شرایط و محدودیت‌های معقول مقرر در قانون و مقررات قانونی با دنیای خارج ارتباط برقرار کند».

۳- قاعده ۹۲ قواعد حداقل استاندارد: «به هر فرد زندان که محاکمه نشده است باید اجازه داده شود فوراً خانواده را از بازداشتن مطلع نموده و تسهیلات معقول برای مکاتبه با خانواده و دوستانش داده شود و صرفاً تحت محدودیت‌ها و نظارتی که لازمه مصالح اجرای عدالت و امنیت و نظم عمومی زندان است، با آن‌ها دیدار کند».

۴- ماده ۵۰ آیین دادرسی کیفری: «شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلف‌اند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تحقیقات تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برسانند».

البته لازم به ذکر است، شورای نگهبان به عبارت «مگر بنا بر ضرورت تحقیقات» ایراد گرفته و بیان داشته است: «تحدید ضرورت به خصوص تحقیقات اشکال دارد.» به نظر می‌رسد شورای نگهبان بر آن است که واژه امنیت یا نظم عمومی هم بر آن اضافه شود.

۵- منظور از ایذاء، آزار و اذیت است و می‌تواند به صورت شکنجه روحی و جسمی مطرح شود.

دادرسی رعایت شود و از تحقیر و توهین نسبت به افراد دستگیر شده یا در بازداشت اجتناب گردد. وقتی جرمی اتفاق می‌افتد، مجازات آن در قانون مشخص و معین شده است، بنابراین پلیس یا دیگر مأمورین دولتی یا غیردولتی که به‌نوعی با افراد متهم یا دستگیر شده سروکار دارند، به‌هیچ‌وجه نباید موجب تضییع حقوق و خفت و خواری آن‌ها شوند.

قانون اساسی کشورمان در اصل ۲۲ مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند».

همچنین در اصل سی و نهم آمده است: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به‌حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعیدشده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است».

ماده ۴ قانون آ.د. کیفری بر لزوم رعایت کرامت و حیثیت اشخاص اشاره کرده و قانون احترام به آزادی مشروع و حفظ حقوق شهروندی در بند ۶ آورده است: «در جریان دستگیری و بازجویی یا استماع و تحقیق، از ایزای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان اجتناب گردد».

به نظر می‌رسد اگر حقوق این افراد در مرحله دستگیری و تحت‌نظر مورد تضییع واقع شود، می‌توان از حکم عام ماده ۶۰۸ ق.م.ا^۱ استفاده کرد و ناقضین این حقوق را مورد مجازات قرار داد.

۱- ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه‌هزار تا یک‌میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود».

قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت...

ماده واحده- آیا منظور از عبارت اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی از جمله مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۸، ۶۰۹ ق.م.ا و بندهای ۷ و ۸ ماده ۶ و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات عبارت است از بکار بردن الفاظی که دلالت صریح بر فحاشی و سب و لعن دارد یا خیر؟ و در صورت عدم صراحت مطلب و انکار متهم بر قصد اهانت و هتک حرمت آیا موضوع از مصادیق مواد مورد ذکر است یا خیر؟

نظر مجلس: از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و یا در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی موقعیت اشخاص موجب تحقیر و آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد.

(پ) حق سکوت متهم

حق سکوت متهم از جمله حقوق دفاعی او محسوب می‌شود و عبارت است از امتناع و خودداری متهم از پاسخ دادن به سؤال‌های ضابطان دادگستری و مقام‌های قضایی در مورد اتهام مطروحه علیه او. در قوانین کشور ما حق سکوت برای متهم پیش‌بینی شده است، لیکن ضمانت اجرای عدم تفهیم حق سکوت معین نشده و به عبارت دیگر اگر پلیس یا مقامات قضایی به متهم تفهیم نکنند که او حق دارد در مقابل سؤالات مطروحه سکوت اختیار کند یا با اجبار متهم را مجبور به شکستن سکوت کنند، ضمانت اجرای کیفری مقرر نشده است، درحالی‌که این یکی از شیوه‌های تعرض و تزییع حقوق متهم تلقی می‌شود.

سزار بکاریا تکلیف متهم را به پاسخگویی از زاویه مصالح اجتماعی، خصوصاً سودمندی مجازات‌ها می‌بیند. وی در این باره می‌نویسد: کسی که به هنگام بازجویی از پاسخگویی به پرسش‌ها خودداری می‌کند، سزاوار سخت‌ترین کیفری است که قانون تعیین می‌کند؛ باشد که بدین‌سان مردمان نتوانند از وظیفه لزوم عبرت‌آموزی شانه خالی کنند (اردبیلی ۱۳۸۵: ۵۱).

در نظام قضایی کشور ما سکوت حق مظنون یا متهم است و توسل به شیوه‌هایی چون تهدید یا فریب، نیرنگ یا اجبار و اکراه برای واداشتن او به پاسخگویی ممنوع است. علاوه بر آن سکوت مظنون یا متهم را نمی‌توان دلیل بر صحت واقعه یا تأیید خبری تلقی نمود (اردبیلی ۱۳۹۰: ۲۱۷).

اکثر نظام‌های دادرسی کیفری پذیرفته‌اند که متهم حق دارد آزادانه از قدرت خود برای پاسخگویی یا امتناع از آن استفاده کند. به دیگر سخن، قوانین کشورها نیز یا مقررات صریحی در این باره پیش‌بینی کرده‌اند یا رویه قضایی به تدریج چنین حقی را برای متهم مقرر نموده است.^۱ در ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری این حق به

۱- در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه حق سکوت متهم مقرر نشده است. از این رو، مأمور پلیس قضائی تکلیفی به آگاهانیدن متهم تحت‌نظر از حق خود ندارد.

در حقوق بلژیک حق سکوت که به مفهوم حق مجبور نبودن به اظهار و دادن اطلاعات علیه خود تعبیر می‌شود از حقوق دفاعی متهم محسوب می‌شود.

در حقوق آلمان نیز متهم هیچ وظیفه‌ای به همکاری و کمک در محکومیت خود ندارد. او حق دارد ساکت بماند؛ موضوعی که پلیس، دادستان یا دادگاه باید پیش از شروع رسیدگی به او یادآوری کند.

رسمیت شناخته شده و به آن تصریح شده است.

ت) شکنجه افراد

شکنجه در زمان‌های دورتر نه تنها کار ممنوعی محسوب نمی‌شد، بلکه مهم‌ترین وسیله برای کسب اقرار یا سایر اطلاعات مفید از متهمان و مجرمان محسوب می‌شد. به تدریج منع شکنجه ابتدا در تمدن شرق و ادیان الهی و سپس در قوانین کشورهای اروپایی مورد تأکید قرار گرفت و پس از آن به اسناد و مدارک بین‌المللی از جمله کنوانسیون‌های لاهه و ژنو در مورد مخاصمات مسلحانه و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر راه یافت (میر محمدصادقی ۱۳۹۰: ۱۱۶).

در سطح منطقه‌ای نیز کنوانسیون اروپایی در ماده ۳ و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در ماده ۵ (c) ممنوعیت شکنجه را مورد تصریح قرار داده‌اند. در کنار ۵ قطعنامه سازمان ملل متحد در مورد شکنجه در سال‌های ۷۶-۱۹۷۳ مهم‌ترین کنوانسیون راجع به موضوع «کنوانسیون شکنجه» سازمان ملل متحد^۱ در سال ۱۹۸۴ است که در ماده ۱ آن شکنجه تعریف شده است.^۲

اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی نیز شکنجه را مورد توجه قرار داده و در بند ۲ (e) از ماده ۷ خود مقرر می‌دارد: «ایراد عمدی درد یا رنج شدید اعم از جسمی یا روحی علیه شخصی که در بازداشت یا تحت کنترل متهم قرار دارد». مستفاد از این بند درد یا رنجی که ناشی از اعمال مجازات قانونی یا نهفته در آن‌ها یا فرع بر آن‌هاست، شکنجه محسوب نمی‌شود.

1. Convention against torture and other cruel inhumane or degrading treatment or punishment.

۲- تعریف شکنجه بر اساس ماده ۱ کنوانسیون شکنجه: «از لحاظ این کنوانسیون واژه شکنجه به معنی هر عملی است که به وسیله آن درد یا رنج شدید اعم از جسمی یا روانی، عمداً به کسی وارد می‌شود به منظور نیل به اهدافی چون: کسب اطلاعات یا اقرار از او یا شخص ثالث، یا مجازات کردن او به خاطر عملی که وی یا شخص ثالثی مرتکب شده یا مظنون به ارتکاب آن است، یا برای ارباب یا مجبور ساختن او یا شخص ثالث (به انجام کاری) یا بنا به هر دلیل مبتنی بر تبعیض از هر نوع آن به شرط آنکه چنین درد یا رنجی بنا به ابتکار یا رضایت یک مأمور دولتی یا شخص دیگری که در صلاحیت دولتی انجام وظیفه می‌کند وارد گردد. شکنجه شامل درد یا رنجی که تنها ناشی از اعمال مجازات قانونی یا نهفته در آن‌ها یا فرع بر آن‌ها است نمی‌گردد».

در قوانین داخلی کشورمان نیز شکنجه جرم‌انگاری و به‌طور محدود قابل مجازات دانسته شده است. در همین راستا اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخصی به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

هرچند ظاهر این اصل مبتنی بر ممنوعیت شکنجه «برای اقرار یا کسب اطلاع» است، اما این مطلقاً به معنای جواز شکنجه برای اهداف دیگر نیست. قانون اساسی در اینجا بنا به غلبه، مبادرت به تصریح «اقرار و اطلاع» کرده است؛ زیرا اصولاً شکنجه در اغلب موارد به‌منظور این دو هدف انجام می‌شود.

بنابراین ممنوعیت شکنجه در این اصل اطلاق داشته و سیاق عبارت نیز حاکی از آن است که قانون اساسی برای منع شکنجه قائل به هیچ استثنائی نیست (رجبی ۱۴۱:۱۳۸۸). آنچه در اصل ۳۸ قانون اساسی بیش از همه نمایان‌تر است، ممنوعیت شکنجه روحی است که این امر از دید مقنن در قانون مجازات اسلامی مغفول مانده است.

غیر از اصل مذکور اصول متعدد دیگری نیز در قانون اساسی اصل ممنوعیت شکنجه را به‌نوعی بیان می‌کنند. به‌عنوان مثال در اصل ۲۳ آمده «تفتیش عقاید ممنوع است» و در اصل ۳۲ «هتک حرمت ممنوع است» و بسیاری از اصول دیگر که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، ممنوعیت شکنجه را مورد تصریح قرار می‌دهند.

ماده‌واحد قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز در بندهای جداگانه به‌طور صریح و ضمنی اصل ممنوعیت شکنجه را بیان می‌کند.

به‌عنوان مثال در بند شش قانون مذکور آمده است: «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایزای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان اجتناب گردد». همچنین در بند ۷ قانون مذکور آمده است: «بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آن‌ها به اماکن نامعلوم، کلاً اقدام‌های خلاف متعارف خودداری ورزند و به‌جای آن از شیوه‌های علمی و فنی و تحقیق و بازجویی و تکنیک‌های مدرن استفاده شود».

همچنین در بند ۹ نیز اشاره شده است: «هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت».

اصل شانزده اعلامیه اساسی عدالت جزایی برای بزه دیدگان جرائم سوءاستفاده از قدرت بیان داشته است: «کارکنان پلیس باید تحت آموزش قرار گیرند تا نسبت به نیازهای بزه دیدگان حساس شده و قادر به کمک فوری و مناسب به آن‌ها باشند».

ماده ۲ نظامنامه رفتار ضابطان دادگستری مقرر داشته که ضابطان دادگستری باید به حیثیت ذاتی انسان‌ها احترام گذارده و از حقوق انسانی تمام اشخاص حفظ و پاسداری نماید (رجبی ۱۳۸۸: ۱۴۷).

- ضمانت اجرای اصل ۳۸ قانون اساسی در مورد شکنجه

همانطور که قبلاً هم بیان شد، تنها قانونی که ضمانت اجرای اصل ۳۸ قانون اساسی را در برمی گیرد قانون مجازات اسلامی است که آن هم اصل مذکور را به طور همه جانبه پوشش نمی دهد و فقط بخشی از آن را مورد توجه قرار داده است.

قانون مذکور در ماده ۵۷۸ خود مقرر می دارد: «هریک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهم را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت».

ضمانت اجرای دیگری که می توان در خصوص شکنجه متهم عنوان نمود ماده ۵۷۹ ق.م.ا است.^۱ هرچند در این ماده از شکنجه یا به تعبیر قانون مجازات اسلامی اذیت و آزار بدنی صحبتی به میان نیامده، لیکن ظاهر ماده مذکور به گونه ای است که

۱. ماده ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی: «چنانچه هر یک از مأمورین دولتی محکومی را سخت تر از مجازاتی که مورد حکم است مجازات کند یا مجازاتی کند که مورد حکم نبوده است به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه این عمل به دستور فرد دیگری انجام شود فقط آمر به مجازات مذکور محکوم می شود و چنانچه این عمل موجب قصاص یا دیه باشد مباشر به مجازات آن نیز محکوم می گردد و اگر اقدام مزبور مضمن جرم دیگری نیز باشد مجازات همان جرم حسب مورد نسبت به مباشر یا آمر اجرا خواهد شد».

مربوط به شکنجه افراد می‌شود.

ث) هتک حرمت و حیثیت افراد

هتک حرمت و حیثیت افراد، بیشترین موردی است که در روند و جریان پرونده‌های کیفری ممکن است دامن‌گیر شاکی و متهم شود. افراد، صرف‌نظر از متهم و شاکی، هنگام حضور در مراجع دادگستری یا کلانتری و ... انتظار رفتار و برخورد محترمانه و درخور شأن یک شهروند را دارند؛ بنابراین زمانی که حرمت افراد زیر پا گذاشته شود، می‌توانند با مراجعه به مراجع صالح، قضیه را پیگیری نمایند.

اصل بیست و دوم قانون اساسی در این زمینه آورده است: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند». همچنین اصل سی و نهم مقرر می‌دارد: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعیدشده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است».

بند شش ماده واحد قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی بیان می‌دارد: «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان اجتناب گردد». همانطور که ملاحظه می‌شود قانون اساسی و قانون حفظ حقوق شهروندی در مقام پاسداری از کرامت و حیثیت افراد، توهین و هتک حرمت آنان را مردود و ممنوع می‌شمارد.

قانون مجازات اسلامی نیز در زمینه توهین به افراد، قوانین کلی را وضع نموده است که منحصر و محدود به نیروهای پلیسی و یا افراد مظنون، متهم و محکوم نمی‌شود بلکه همه افراد جامعه را در برمی‌گیرد.

- ضمانت اجرای هتک حرمت و حیثیت افراد

توهین یا اهانت در هیچ‌یک از قوانین تعریف نشده است. در میان آثار حقوقی مرحوم استاد پاد بر این عقیده‌اند: «واژه وهن به فتح اول برای ستی وضع شده است و توهین ست گردانیدن را گویند» (پاد ۱۳۴۸: ۲۴۲).

با اندک اغمازی می‌توان گفت جرم توهین عبارت است از: «رفتار عمدی خلاف

قانون که به موجب عرف نسبت به طرف موهن باشد» (میرمحمدصادقی ۱۳۸۷: ۲۱). ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی در این زمینه آورده است: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، چنانچه موجب حد قذف نباشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود».

نتیجه گیری

حریم خصوصی یکی از حوزه‌های نسبتاً جدید در حقوق عمومی و کیفری است که در نظام‌های حقوقی پیشرفته از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با آنکه مطالعات تاریخی نشان می‌دهد، مسئله حریم خصوصی کم و بیش در همه جوامع مطرح بوده است، اما دغدغه حمایت از حریم خصوصی از دغدغه‌های جدی جوامع امروز و زایید تحولات سده اخیر است که در همه جوامع به وقوع پیوسته یا در حال وقوع است.

با توجه به تهدیدات فزاینده‌ای که از جانب افراد عادی جامعه، بخش خصوصی و دولت علیه حریم خصوصی وجود دارد، ضرورت حمایت از حریم خصوصی بیش از پیش احساس می‌شود و هدف از این حمایت عمدتاً دفاع از آزادی و استقلال و آبرو و حیثیت افراد است که در نظام حقوقی ایران، اخیراً در قانون آ د ک ۱۳۹۲ در مقررات مختلف مرتبط با حریم خصوصی و چه در رویه‌های عملی، اهمیت این حق و آثار ناشی از آن در روابط افراد با یکدیگر و با حکومت چنانکه باید درک شده و تا حدودی حمایت‌های لازم از آن صورت گرفته است.

در میان انواع مقوله‌های حریم خصوصی، حریم جسمانی افراد از اهمیت بالایی برخوردار است که با آزادی و استقلال افراد در ارتباط است. به نظر می‌رسد آنچه به‌عنوان اولین واکنش در برابر نقض حریم خصوصی توسط مأمورین دولتی می‌توان مطرح نمود، این است که ادله و اطلاعات به‌دست‌آمده از آن مردود اعلام و در محاکم حقوقی اثری بر آن مترتب نباشد، چنانکه در بسیاری از نظام‌های حقوقی مانند حقوق فرانسه چنین است.

گفتنی است، موضع حقوق ایران در قبال حریم خصوصی یک موضع

تحویل گرایانه است، حریم جسمانی و آزادی‌هایی که تحت عنوان «حریم خصوصی» قابل حمایت هستند، غالباً به‌طور ضمنی و در بطن قواعد مختلف - هر چند به‌طور ناقص - مورد حمایت قرار گرفته‌اند. همچنین شکنجه و توهین به افراد نیز در قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار گرفته و ضمانت‌اجراهایی مقرر شده است، لکن در نظام حقوقی ما، قانون ویژه‌ای در حمایت از حریم خصوصی و به‌خصوص حریم جسمانی افراد وجود ندارد و قواعد عمومی در زمینه حریم خصوصی افراد بسیار ناقص بوده و جوابگوی نیازهای فعلی جامعه حقوقی کشورمان نیست.

پیشنهادها

- ۱- نسبت به تهیه و تدوین قانون جامع و مانع در خصوص لزوم حفظ حریم جسمانی توسط قانون‌گذار اقدام شود تا این مقوله از شمول قواعد عمومی خارج شود؛ زیرا قواعد عمومی در زمینه حریم خصوصی بسیار ناقص بوده و جوابگوی نیازهای فعلی جامعه نیست.
- ۲- ارتقای آگاهی حقوقی مأموران پلیس نسبت به مفاهیم حریم جسمانی و لزوم حفظ حرمت آن از طریق آموزش‌های مستمر.
- ۳- لزوم نظارت مداوم بر نحوه برخورد پلیس با مظنونان و متهمان در رعایت حریم جسمانی.
- ۴- با توجه به طولانی بودن روند قانون‌گذاری، در کوتاه‌مدت لازم است با صدور بخشنامه‌های داخلی توسط ناجا لزوم و نحوه رعایت حریم جسمانی بازتعریف شود.

منابع

- آقایی نیا، حسین (۱۳۸۵)، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، تهران، نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۹)، نگهداری تحت‌نظر، علوم جنایی مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر آشوری، تهران، نشر سمت.
- انصاری، باقر (۱۳۸۶)، حقوق حریم خصوصی، تهران، سمت.

- انصاری، ولی اله (۱۳۸۰)، حقوق تحقیقات جنایی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- بکاریا، سزار (۱۳۸۵)، رساله جرائم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، نشر میزان.
- پاد، ابراهیم (۱۳۴۷)، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، تهران، دانشگاه تهران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران، چاپ دوم، نشر گنج دانش.
- رجبی، ابراهیم (۱۳۸۸)، پلیس و حقوق شهروندی، تهران، مرکز تهیه و توزیع منابع آموزشی‌گامی.
- رضوی، محمد (۱۳۸۰)، نقش نیروی انتظامی به‌عنوان ضابطین دادگستری در امور کیفری، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۴)، دادگاه کیفری بین‌المللی، تهران، نشر دادگستر.
- ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۳)، آیین دادرسی کیفری (سلب آزادی تن)، تهران، نشر دیدار.
- Calcutt Committee (1990), Report of the Committee on Privacy and Related Matter, London, HMSO.
- Convention against torture and other cruel inhumane or degrading treatment or panishment.
- Prosser, William (1960), Privacy, California Law Review, Vol. 48, N.3.
- Resolution 428 (1970) of the Consultative (Parliamentary) Assembly of the Council of Europe, Cons. Ass, 21st ordinary Session (3rd Part), Texts adopted 1970.
- Stanford Encyclopedia of Philosophy: Privacy, at: <http://plato.Stanford.edu/entries/Privacy>.
- Westin, Alan (1967), Privacy and Freedom, New York, Atheneum.

